

انطباق مالیات دفتری و مدیریت درآمد در پاسخ به کاهش نرخ مالیات

عزیز گرد^۱، مهدی قاسمی^۲

^۱ استادیار حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور واحد غرب تهران، ایران

چکیده

این مطالعه به بررسی ارتباط میان مدیریت درآمد و تفاوت های حقوقی در انطباق مالیات دفتری می پردازد. مجموعه داده های اصلاح های ملی که نرخ مالیات بر شرکت ها را کاهش می دهد به منظور برآورد تاثیر انطباق بر روند مدیریت درآمد شرکت به هنگامی که انگیزه خاص برای مدیریت درآمد رو به پایین وجود دارد، مورد استفاده قرار می گیرد. اقلام تعهدی کل و اختیاری به منظور اندازه گیری مدیریت درآمد استفاده می شوند و اندازه گیری مستمر به منظور ارزیابی سطح انطباق مالیات دفتری استفاده می شود. نتایج نشان می دهند که تغییرات در نرخ مالیات قانونی به شرکت ها در حوزه های حقوقی و قضایی با انطباق مالیات دفتری بیشتر نسبت به شرکت ها در حوزه های حقوقی و قضایی با انطباق مالیات دفتری کمتر تاثیر بیشتری دارند. اما مدیریت کلی درآمد بیشتر به شرکت هایی در حوزه های قضایی با انطباق کمتر منتسب شده است. این یافته ها منجر به بحث های جاری در مورد سطح مناسب انطباق مالیات دفتری می شوند.

واژگان کلیدی: مدیریت درآمد؛ مشوق مالیاتی؛ اصلاح مالیات؛ شرکت های خصوصی؛ انطباق مالیات دفتری

مقدمه

مزایای بالقوه و هزینه‌های مرتبط با انطباق درآمد گزارش شده و درآمد مشمول مالیات در مدت زمان معینی در ایالات متحده آمریکا مورد بحث قرار گرفته است. سیاستمداران و دانشگاہیان در مورد این موضوع پرسیده اند که آیا عاقلانه است فاصله شکاف کتاب-مالیات را از بین ببریم و به یک سیستم انطباق بالا برسیم که در آن درآمد کتاب برابر با درآمد مشمول مالیات باشد. بحث شامل هر دو استدلال طرفدار و مخالف است. به عنوان مثال، دسای (۲۰۰۵) حسابداری مالی کتاب-مالیات را پیشنهاد می‌کند، زیرا گزارش مالی تهاجمی را کاهش می‌دهد و کیفیت درآمد را بهبود می‌بخشد. مخالفان ادعا می‌کنند که کاربران و مقامات مالیاتی نیاز به اطلاعات مختلفی دارند و افزایش انطباق منجر به کاهش قابل توجه اطلاعات می‌شود (هانلون و شولین، ۲۰۰۵). تحقیقات حسابداری مالی تجربی شواهد متفاوتی را ارائه می‌دهد. لیوز، ناند، و ویسوک (۲۰۰۳) هیچ اثر مدیریتی درآمد از برابری حسابداری مالی در یک کشور را در بر نمی‌گیرد. اخیراً، بلی لاک، گارتنر، و شولین (۲۰۱۵) و واترین، ابرت و تامسن (۲۰۱۴) همکاری قوی مالیات بر حسابداری مالی را با مدیریت درآمد بیشتر متصل می‌کنند. همزمان، تانگ (۲۰۱۵) شواهد متضادی را نشان می‌دهد که با انطباق بالا با سطوح پایین تر مدیریت درآمد و اجتناب مالیاتی همراه است. در این تحقیق بیشتر به بررسی تأثیر انطباق حسابداری مالی با مدیریت درآمد می‌پردازیم. مدیریت درآمد را در پاسخ به کاهش نرخ مالیات شرکت در بین شرکت‌های خصوصی در اروپا تجزیه و تحلیل و اثربخشی انطباق حسابداری مالی در یک حوزه را ارزیابی می‌کنیم. مطالعات متعدد شواهدی ارائه می‌دهند که شرکت‌ها درآمد خود را در اطراف چنین حوادثی مدیریت می‌کنند تا درآمدهای ناشی از دوره‌های مالیات بالا را به میزان کم (مثلاً گانتنر، ۱۹۹۴؛ لوپز، رچی و لی، ۱۹۹۸؛ رویی و ریچاردسون، ۱۹۹۸) به دست آورند. مطالعه حاضر فرم‌های مختلف و علاوه بر آن کارهای قبلی را با روش‌های مهمی بررسی کرده است.

ادبیات پژوهش

تعدادی از مطالعات در مورد مدیریت درآمد، پدیده‌ها را با توجه به انگیزه‌های مختلف زمینه آن در نظر می‌گیرند. این انگیزه‌ها اغلب با انگیزه‌های بازار سرمایه (کوهن و زاروین، ۲۰۱۰) و انگیزه‌های قراردادی مانند قراردادهای بدهی (دفوند و جیامبولو، ۱۹۹۴) و اجرایی قراردادهای گارانتی (هیلی، ۱۹۸۵) در ارتباط هستند. تعداد کمی از مطالعات انگیزه‌هایی را که ناشی از مالیات هستند، رعایت می‌کنند. یک مثال کاپنس و پیک (۲۰۰۵) است که مدیریت درآمد ناشی از مالیات را بررسی می‌کنند و نشان می‌دهند که شرکت‌های خصوصی در کشورهایی با اتخاذ تسویه حساب با مالیات بالا، مدیریت درآمد (به پایین) را برای کاهش مالیات به کار می‌گیرند. یک نتیجه از این روش کاهش مالیات، مدیریت درآمد (افزایش) در آینده است که مربوط به مالیات آتی بیشتر می‌شود. این موضوع به خاطر ماهیت معکوس مدیریت درآمد مبتنی بر تعهد است. با این وجود اگر درآمد بین دوره‌های تغییرات در نرخ مالیات شرکت ملی تغییر کند، ممکن است سود کسب شده مثبت اقتصادی از درآمد مدیریت شده، کسب شود. به عنوان مثال، مطالعات انجام شده در اصلاح قانون مالیات ایالات متحده در سال ۱۹۸۶، شواهدی ارائه دادند که شرکت‌ها درآمدها را قبل از کاهش نرخ مالیات شرکت‌های آمریکایی کاهش دادند (کالگری، ۲۰۰۰؛ دالیوال و وانگ، ۱۹۹۲؛ گنتنر، ۱۹۹۴؛ لوپز و همکاران، ۱۹۹۸؛ منزون، ۱۹۹۲؛ اسکولز، ویلسون، و ولفسون، ۱۹۹۲). سایر اصلاحات مالیاتی که نرخ مالیات شرکت‌ها را کاهش دادند، توسط رویی و ریچاردسون (۱۹۹۸) مورد بررسی قرار گرفتند، که دریافت‌های جاری اختیارات فعلی توسط شرکت‌ها در کانادا، مالزی و سنگاپور مورد بحث قرار گرفت.

داده‌ها و روش‌ها

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه عمدتاً از نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها و گزارش‌های مالی شرکت‌های خصوصی تشکیل شده است. این نمونه به روسیه و کشورهای اروپایی محدود می‌شود. این منطقه نمونه با کاهش کلی نرخ مالیات بر درآمد شرکت در دهه گذشته روبرو بوده است و بنابراین یک منطقه مناسب برای تحقیق کشورهای هستند که در تجزیه و تحلیل نرخ مالیات شرکتی آنها بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ کاهش یافته است.

تست تأثیر انطباق در مدیریت درآمد

در این مطالعه تنوع پذیرش حسابداری مالیاتی (BTC) و نحوه تأثیر آن بر مدیریت درآمد (EM) قبل از کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌های ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای آزمون فرضیه مطالعه از مدل‌های زیر استفاده شده است:

$$EM = \beta_0 + \beta_1 BTC + \sum \beta_k Control + Fixed\ effects + \varepsilon \quad (5)$$

$$EM = \beta_0 + \beta_1 PRE \times BTC + \beta_2 PRE + \sum \beta_k Control + Fixed\ effects + \varepsilon \quad (6)$$

که EM نشان دهنده TACC یا TDACC میانه در هر صنعت است؛ BTC رتبه بندی تطابق کتاب و مالیات است؛ و PRE متغیر شاخص برای سال بلافاصله قبل از تغییر نرخ مالیات (year PRE) است. متغیرهای کنترل عبارتند از: SIZE، اندازه متوسط صنعت شرکت‌های اندازه گیری شده به عنوان لگاریتم طبیعی از کل دارایی‌های شرکت؛ LEV، نسبت سرمایه گذاری صنایع متوسط شرکت‌ها به عنوان مجموع بدهی تقسیم بر دارایی‌های کل؛ ROA، بازده متوسط صنعت در دارایی‌های شرکت‌ها به عنوان درآمد خالص تقسیم بر دارایی‌های کل؛ و LOSS، کسری از سال‌های از دست رفته در یک صنعت. در نهایت، اثرات ثابت برای صنایع، سال‌ها و کشورها به مدل رگرسیون اضافه می‌شود. خطاهای استاندارد سفید و ماتریس کوواریانس برای همه رگرسیون‌ها اعمال می‌شود. مدل رگرسیونی با مشاهدات صنعت کشور اجرا می‌شود، مطابق با پژوهش بلیلاک و همکاران (۲۰۱۵)، زیرا یک تحلیل سالانه شرکت می‌تواند سطح اهمیت را مشخص سازد (تانگ، ۲۰۱۵). متغیرهای کنترل و مشخصات اثرات ثابت مورد استفاده قرار گرفته اند زیرا تحقیقات حسابداری تعدادی از عواملی را که بر مدیریت درآمد تأثیر می‌گذارد شناسایی کرده اند. متغیر کنترل کننده برای اندازه شرکت به پروکسی برای متغیرهای مختلف حذف شده افزوده شده است و به این دلیل که شرکت‌های کوچکتر برنامه ریزان مالیات کمتری دارند (اسکولز و همکاران، ۱۹۹۲). متغیر کنترل کننده اهرم به دلیل یک بدهی پیشنهادی مرتبط با مدیریت سود (دفاند و جیامبالوا، ۱۹۹۴) گنجانده شده است. علاوه بر این، کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که تعهدات اختیاری با عملکرد شرکت ارتباط دارد، یک متغیر کنترل برای بازپرداخت دارایی‌ها همراه با متغیر ساختگی نشان دهنده یک سال از دست رفته است.

یافته‌ها

جدول ۱ نتایج تخمین صنعت کشور (5) OLS را برای نمونه کامل و برای دو سال تجزیه و تحلیل جداگانه ارائه می‌دهد. ارتباط بین مدیریت درآمد و تطابق مالیات بر حسابداری بر اساس یک متغیر مستقل وابسته که مجموع و جریمه اختیاری را اندازه گیری می‌کند، ارزیابی می‌شود. با توجه به انگیزه مالیاتی ارائه شده توسط کاهش نرخ مالیات شرکت، فرض می‌شود که درآمد به عنوان مدیریت پایین در حالی که نرخ مالیات هنوز هم بالا برای تغییر درآمد به دوره‌های مالیاتی کمتر است اطلاق می‌شود. بنابراین، انتظار می‌رود که اقدامات تعهدی در سال قبل بلافاصله قبل از سال اصلاح (سال قبل) منفی باشد. در نتایج رگرسیون برای نمونه کامل، علامت ضریب تنوع پذیرش حسابداری مالیاتی (۱) در هر دو مدل (۱) و (۴) منفی و آماری معنی

دار دارد که نشان می‌دهد که انطباق بالاتر با مدیریت درآمد پایین تر ارتباط دارد، که مطابق با واترین و همکاران (۲۰۱۴) است. همچنین جدول ۲ نتایج تخمینی مدل (6) OLS را نشان می‌دهد. قدرت توضیحی با TDACC به عنوان متغیر وابسته پایین می‌آید. در نهایت، جدول ۳ نشان می‌دهد که انطباق بالاتر با مدیریت بیشتر درآمد پایین در طول دوره تحلیل به طور کلی مرتبط است. ضریب BTC کوچک و مثبت است.

جدول ۱: نتایج رگرسیون با انطباق مالیات دفتری و مدیریت عواید

کل تعهدات اختیاری (TADCC)			تعهدات کل (TACC)			
مدل (۳)	مدل (۲)	مدل (۱)	مدل (۳)	مدل (۲)	مدل (۱)	
دو سال قبل	سال قبل	نمونه کامل	دو سال قبل	سال قبل	نمونه کامل	
-0.046	-0.144***	-0.087*	-0.135***	-0.189***	-0.146***	Intercept
0.011	-0.068***	-0.048***	-0.007	-0.065***	-0.063***	BTC
0.005	0.023***	0.014**	0.008*	0.030***	0.018**	SIZE
-0.019	-0.056	-0.031	0.018	-0.131	-0.047	LEV
0.328**	0.618***	0.443***	0.151	0.331*	0.257**	ROA
0.007	0.005	0.003	0.017	-0.020	-0.004	LOSS
بله	بله	بله	بله	بله	بله	Industry
بله	بله	بله	بله	بله	بله	Year
بله	بله	بله	بله	بله	بله	Country
89	89	178	89	89	178	N
0.431	0.479	0.422	0.685	0.497	0.515	Adj. R2

جدول ۲: نتایج رگرسیون با یک اثر تعاملی

مدل (۴)	مدل (۳)	مدل (۲)	مدل (۱)	
TDACC	TDACC	TACC	TACC	
-0.085*	-0.088*	-0.133***	-0.135***	Intercept
-0.051***	-0.026***	-0.028***	-0.015**	BTC × PRE
0.031***	0.018**	0.007	0.000	PRE
0.008	0.008	0.014**	0.014**	SIZE
-0.018	-0.011	-0.038	-0.034	LEV
0.323**	0.303**	0.175	0.164	ROA
0.011	0.014	0.000	0.001	LOSS
بله	بله	بله	بله	Industry
بله	بله	بله	بله	Year
بله	بله	بله	بله	Country
178	178	178	178	N
0.346	0.313	0.497	0.492	Adj. R2

جدول ۳: نتایج حساسیت

مدل (۳)	مدل (۳)	مدل (۱)	نام متغیر
TDACC < 0	TDACC > = 0	TDACC	
0.072***	0.078***	0.076***	Intercept
0.003	-0.044***	-0.018***	BTC
-0.004***	-0.002***	-0.003***	SIZE
0.044***	0.062***	0.053***	LEV
0.049***	0.120***	0.084***	ROA

0.014***	0.010***	0.013***	LOSS
بله	بله	بله	Industry
بله	بله	بله	Year
بله	بله	بله	Country
33231	31713	64944	N
0.097	0.188	0.136	Adj. R2

نتیجه گیری

این مطالعه نشان می‌دهد که بهره مندی از انطباق کاهشی در موارد خاص مدیریت درآمد ناشی از مالیات، سودمند است. همچنین این مطالعه به روش‌های مختلف به عرصه پژوهش کمک می‌کند. اولاً بررسی همزمان یک انگیزه مدیریت درآمد منصفانه و ارتباط بین مدیریت درآمد و برابری حسابداری و مالیات، سهم عمده ای را به وجود می‌آورد. مطالعات قبلی در مورد تطابق مالیات بر کتاب، به طور کلی به مدیریت کل درآمد و در صورت عدم انگیزه، متمرکز شده است. بنابراین، این مطالعه با تجزیه و تحلیل مدیریت درآمد مبتنی بر انگیزه امضا شده به جای تنها رعایت مدیریت بدون امضا و کلی درآمد کمک می‌کند. دوم، این مطالعه، کمک به بحث است که ویژگی‌های حسابداری شرکت‌های خصوصی را بررسی می‌کند. مطالعات قبلی به طور عمده شرکت‌های دولتی را برجسته می‌کند. از آنجاییکه حوزه‌های قضایی همچنین در سطوح مختلف برابری مالیات بر حسابداری مالی در مورد شرکت‌های خصوصی وجود دارد، جالب است که این گروه شرکت را در این زمینه بررسی کنیم. واتین و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان داده که اهمیت صورتهای مالی تکمیل شده در تجزیه و تحلیل تطبیق حسابداری مالی، کم اهمیت شده و این مطالعه ادبیات پیشین با بررسی شرکت‌های خصوصی با انگیزه خاصی برای مدیریت درآمد گسترش می‌دهد.

سوم، تحقیقات قبلی در مورد پاسخ‌های شرکت‌های خصوصی به تنظیمات نرخ مالیات شرکت در سطح ملی انجام شده است. این مطالعه با بررسی اصلاحات اخیر در چندین حوزه قضایی کمک می‌کند و بنابراین می‌تواند به درک در مورد مدیریت شرکت‌های مالیاتی ناشی از مالیات شرکت‌های خصوصی در کشورهای مختلف اضافه کند. این مطالعه همچنین می‌تواند مفاهیم عملی مربوط به اصلاحات گزارشگری و مالیاتی را ایجاد کند. نتایج ممکن است برای تنظیم کنندگان در ارزیابی اصلاحات مالیاتی شرکتی و برنامه ریزی اصلاحات آینده که در آن نرخ مالیات بر شرکتها تنظیم می‌شود، مفید باشد. این مطالعه همچنین برای کشورهایی که در معرض سوء استفاده قرار می‌گیرند، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. علاوه بر این یافته‌ها می‌تواند برای مقامات مالیاتی، اعتباردهندگان و حساب‌رسان مستقل در تجزیه و تحلیل صورتهای مالی شرکت‌های خصوصی مفید باشد. یکی از محدودیت‌های این مطالعه این است که از داده‌های تعداد محدودی از کشورها استفاده می‌کند. با استفاده از کشورهای دیگر با سطوح مختلف تطابق بین قوانین مالیاتی و قوانین حسابداری از نقاط دیگر جهان، نتایج مطالعه می‌تواند تقویت و گسترش یابد. در عین حال، محدودیت دیگری نیز ممکن است از بررسی چند ملیتی در مورد تأثیرات برابری حسابداری و مالی که ممکن است ویژگی‌های سازمانی پایدار را تأیید نکند، ناشی شود. با این حال، محدودیت دیگری از

<http://MaJournal.ir>

مطالعه این است که توضیحات جایگزین برای برخی از شواهد مدیریت درآمد که در این مقاله تایید شده است، ممکن است وجود داشته باشد. این مطالعه هیچ انگیزه متقابل برای مدیریت درآمد را قبل از کاهش نرخ مالیات شرکت در نظر نمی‌گیرد. به عنوان مثال، مالیات بر سود سهام اغلب زمانی افزایش می‌یابد که مالیات بر سود شرکت‌ها کاهش می‌یابد. این امر می‌تواند منجر به افزایش انگیزه جایگزین برای افزایش درآمد شود تا بتواند سود سهام بزرگتری را قبل از افزایش نرخ مالیات موثر، افزایش دهد. تحقیقات آینده می‌تواند انگیزه‌های جایگزین را در تجزیه و تحلیل ترکیب کند. با این حال، در این مطالعه، انگیزه برای کاهش درآمد قبل از کاهش نرخ مالیات شرکت به عنوان قویترین انگیزه در زمان تحقیق در نظر گرفته شده است.

منابع و مآخذ

1. Atwood, T. J., Drake, M. S., & Myers, L. A. (2010). Book-tax conformity, earnings persistence and the association between earnings and future cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 111–125
2. Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in U.K. private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 83–128.
3. Berzins, J., Bøhren, Ø. & Rydland, P. (2008). Corporate finance and governance in firms with limited liability: Basic characteristics. Research Report No. 1, Centre for Corporate Governance Research, Norwegian Business School.
4. Blaylock, B., Gaertner, F. B., & Shevlin, T. (2015). The association between book-tax Conformity and earnings management. *Review of Accounting Studies*, 20, 141–172.
5. Burgstahler, D., Hail, L., & Leuz, C. (2006). The importance of reporting incentives: Earnings management in European private and public firms. *The Accounting Review*, 81, 983–1016.
6. Calegari, M. J. (2000). The effect of tax accounting rules on capital structure and discretionary accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 30, 1–31.
7. Callao, S., & Jarne, J. I. (2010). Have IFRS affected earnings management in the European Union? *Accounting in Europe*, 7, 159–189.
8. Cohen, D., & Zarowin, P. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 2–19.
9. Coppens, L., & Peek, E. (2005). An analysis of earnings management by European private firms. *Journal of International Accounting Auditing and Taxation*, 14, 1–17.
10. DeFond, M. L., & Jiambalvo, J. (1994). Debt covenant violation and manipulation of accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 17, 145–176.
11. Dechow, P. M., Hutton, A. P., Kim, J. H., & Sloan, R. G. (2012). Detecting earnings management: A new approach. *Journal of Accounting Research*, 50, 275–334.
12. Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2009). Earnings management, corporate tax shelters, and book-tax alignment. *National Tax Journal*, 62, 169–186.
13. Desai, M. A. (2005). The degradation of reported corporate profits. *Journal of Economic Perspectives*, 19, 171–192.

<http://MaJournal.ir>

14. Dhaliwal, D., & Wang, S. (1992). The effect of book income adjustment in the 1986 alternative minimum tax on corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 15, 7–26.
15. Frank, K. (2000). Impact of a confounding variable on a regression coefficient. *Sociological Methods & Research*, 29, 147–194.
16. Gassen, J., & Fülber, R. U. (2015). Do creditors prefer smooth earnings? Evidence from European private firms. *Journal of International Accounting Research*, 14, 151–180.
17. Goncharov, I., & Zimmermann, J. (2006). Earnings management when incentives compete: The role of tax accounting in Russia. *Journal of International Accounting Research*, 5, 41–65.
18. Guenther, D. A. (1994). Earnings management in response to corporate tax rate changes: Evidence from the 1986 Tax Reform Act. *The Accounting Review*, 69, 230–243.
19. Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 127–178.
20. Hanlon, M., & Shevlin, T. (2005). Book-tax conformity for corporate income: An introduction to the issues. In J. M. Poterba (Ed.), *Tax policy and the economy* (vol. 19) (pp. 101–134). National Bureau of Economic Research, MIT Press.
21. Healy, P. M., & Wahlen, J. M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13, 365–383.
22. Healy, P. M. (1985). The effect of bonus schemes on accounting decision. *Journal of Accounting and Economics*, 7, 85–107.